



الف) مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده ردیف ۴۹/۸۵ وحدت رویه، رأس ساعت ۹ بامداد روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۴ به ریاست حضرت آیت الله مفید، رئیس دیوان عالی کشور، و با حضور حضرت آیت الله دری نجف آبادی، دادستان کل کشور، و شرکت اعضای شعب مختلف دیوان عالی کشور در سالن اجتماعات دادگستری تشکیل و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۰۴ - ۱۳۸۶/۷/۲۴ منتهی گردید.

ب) گزارش پرونده

احتراماً به استحضار می رساند شعبه محترم (۳۳) دیوان عالی کشور با شعبه محترم ۲۷ دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه های عمومی و انقلاب در رسیدگی به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور دو نظر متفاوت ابراز فرموده اند که مراتب جهت کسب نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور منعکس می گردد.

الف) در پرونده کلاسه ۸۲۴/۸۳ شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی اصفهان آقای حسن سلیمان ایزدی فرزند علی به اتهام ۱ - کلاهبرداری ۲ - اخلال در نظام اقتصادی موضوع بند «ه» ماده (۱) قانون مجازات اخلال در نظام اقتصادی ۳ - خیانت در امانت نسبت به اعضای هیأت مدیره ی صندوق قرض الحسنه قائمیه ۴ - پرداخت ربا به مشتریان ۵ - صدور چهار فقره چک

بلامحل تحت تعقیب بوده و دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان کلیه اعمال (اتهامات) را اخلال در نظام اقتصادی تلقی و با صدور قرار مجرمیت، پرونده را به دادگاه انقلاب اسلامی ارسال نموده است و طبق بند «ه» ماده فوق الذکر و نیز ماده (۲) و تبصره "۵" این ماده از قانون مذکور با رعایت ماده (۴۷) و تبصره ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی تقاضای مجازات کرده است. شعبه ۶ دادگاه انقلاب اسلامی طی دادنامه شماره ۸۴۷ - ۱۳۸۴/۷/۷ با استدلال به این که تبصره "۶" ذیل ماده (۲) قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به موجب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و اصلاحیه آن نسخ گردیده، قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت دادگاه های عمومی اصفهان صادر کرده است که به شعبه ۱۰۹ ارجاع شده است و این شعبه طی دادنامه شماره ۹۱۶ - ۱۳۸۵/۷/۲۳ استدلال کرده که ماده (۵) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در تکمیل صلاحیت های سابق دادگاه انقلاب بوده و دلالت بر نسخ صلاحیت سابق محاکم انقلاب ندارد؛ به استناد ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی با نفی صلاحیت از خود، پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال داشته است و شعبه محترم (۳۳) دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۳۳/۶۴۴ - ۱۳۸۴/۸/۱۱ چنین رأی داده است: «با توجه به محتویات پرونده و لحاظ محدوده صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی مصرح در ماده (۵) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و اصلاحیه مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ آن و تأخیر تصویب هر دو قانون مذکور از تاریخ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ نظریه شعبه ششم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان صائب است؛ لذا با تأیید آن به صلاحیت رسیدگی شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی اصفهان حل اختلاف می گردد.»

ب) در موضوع مشابه که شخصی به نام آقای اکبر ... و چند نفر دیگر به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور در شعبه پنجم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان تحت تعقیب بوده اند، شعبه ی مذکور با استدلال به این که تبصره "۶" ماده (۲) قانون اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به موجب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و اصلاحیه آن نسخ شده، قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت دادگاه عمومی اصفهان صادر کرده است. شعبه ۱۱۴ دادگاه عمومی حسب الارجاع طی دادنامه شماره ۵۱۱/۸۵ استدلال کرده که قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور خاص بوده و با تصویب قانون عام مؤخر نسخ

نمی شود؛ لذا از خود نفی صلاحیت کرده و پرونده با حدوث اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه محترم ۲۷ حسب الارجاع رسیدگی و طی دادنامه شماره ۷۹۰-۲۲/۵/۱۳۸۵ چنین رأی داده است:

«ضمن تأیید استدلال شعبه ۱۱۴ محاکم عمومی جزایی اصفهان با اعلام صلاحیت رسیدگی دادگاه انقلاب اسلامی آن، شهرستان و ترجیحاً شعبه پنجم آن حل اختلاف می گردد.

علی هذا مراتب در اجرای ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری اعلام می گردد تا در هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور مطرح و کسب نظر شود.

معاون اول دادستان کل کشور - سید احمد مرتضوی مقدم با احترام، در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۴۹/۸۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، موضوع اختلاف در استنباط شعب ۲۷ و ۳۳ دیوان عالی کشور از مقررات قانونی مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ و ماده (۵) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در خصوص صلاحیت دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب اسلامی در رسیدگی به اتهام اخلا ل در نظام اقتصادی کشور با لحاظ گزارش تنظیمی به شرح آتی اظهار نظر می گردد:

هر چند طبق اصل (۱۵۹) قانون اساسی اصل، مرجعیت عام مراجع دادگستری در رسیدگی به تظلمات عمومی است، لیکن تشکیل دادگاه انقلاب در سازمان قضایی دادگستری کشور به معنی ایجاد دادگاه اختصاصی در قبال دادگاه عمومی نمی باشد؛ بلکه دادگاه انقلاب مرجع تخصصی در دادگستری کشور است.

مقررات ماده (۵) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در مقام احصاء صلاحیت انحصاری برای دادگاه انقلاب نمی باشد. بلکه به موجب مقررات قانونی، دادگاه انقلاب علاوه بر موارد مصرح در ماده (۵) مرقوم، صلاحیت رسیدگی به جرایم دیگری از جمله جرایم پزشکی را نیز دارا می باشد و در مانحن فیه مقررات قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور به عنوان قانون خاص و حاکم نسبت به مقررات ماده (۵) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به عنوان قانون عام می باشد و طبق قواعد اصولی، مقررات عام مؤخر ناسخ مقررات خاص مقدم نمی باشد. به خصوص در این مورد مقررات تبصره "۶" قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور به لحاظ صراحت بیان نسبت به مفهوم و ظاهر مقررات دیگر حاکم است و از این جهت تهافت و مغایرت احکام آن ها با قانون اصلاح قانون

دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ تحقق و فعلیت نخواهد یافت. خصوصاً این که مقنن در سال ۱۳۸۴ در مقام الحاق یک بند و یک تبصره به ماده یک قانون مرقوم نظر به مقررات تبصره "۶" قانون داشته که با عطف نظر به صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم موضوع قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور، متعرض اعتبار تبصره مذکور نگردیده است. در هر صورت صراحت قانون اخلا لگران در نظام اقتصادی مصوب سال ۱۳۶۹ با ادعای نسخ ضمنی و مانند آن از اعتبار ساقط نمی شود و ادعای شمول بند «الف» ماده (۵) نیز نسبت به مسائل امنیت اقتصادی نیاز به تفسیر قانونی و یا مؤنه اضافه دارد.

ادعای این که ماده (۵) در مقام تحدید است؛ صرفاً برداشت مفهومی است و با منطوق و صراحت قانون سازگار نمی باشد. در هر صورت به نظر این جانب رأی شعبه ۲۷ ارجح است و قضات محترم نیز در مقام رسیدگی اگر به قانون اخلا لگران استناد نمایند، اقدام ایشان طبق مقررات صورت پذیرفته است.

بدین جهت رأی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور که با لحاظ مراتب مذکور منطبق با موازین قانونی به نظر می رسد، مورد تأیید می باشد.

د: رأی شماره ۷۰۴ - ۲۴/۷/۱۳۸۶ وحدت رویه هیأت عمومی «طبق بند اول ماده (۵) قانون اصلاح تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، به کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و محاربه و یا افساد فی الارض در دادگاه های انقلاب اسلامی رسیدگی می گردد و رسیدگی به جرایم مذکور در بندهای مختلف ماده یک قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور نیز در صورتی که طبق ماده (۲) این قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد؛ به لحاظ این که متضمن اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است، با این دادگاه ها خواهد بود و در سایر موارد به علت نسخ ضمنی تبصره "۶" ماده (۲) قانون اخیر الذکر در این قسمت، دادگاه های عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. بنابراین به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد، صحیح و قانونی تشخیص می گردد.»

«این رأی بر اساس ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»